

مطالعه علمی زبان، موضوع علم زبان‌شناسی است. اما درست در این تعریف به ظاهر روشن و بدون ابهام است که بیشترین ابهام‌ها و پیچیدگی‌ها نهفته است. علم چیست و زبان کدام است؟ بدیهی است که بدون تعریف این دو مفهوم، تعریف زبان‌شناسی ممکن نیست. «فردینان دوسوسور»، این سیمای درخشان و فرهیخته زمان با تعریف روند ارائه نظریه علمی بصورت مسئله‌یابی یا کشف مسئله، بررسی یا مطالعه اجمالی، گمانه‌آفرینی یا وضع گماته یا فرضیه، واریسی یا مطالعه انتقادی، قانون‌یابی یا کشف قانون و سرانجام نگرش‌آفرینی یا وضع نگرش یا نظریه، ابتدا با هوشمندی به بررسی نظام نشانه‌ها دست یازید و با کشف آنها دریافت که زبان نیز نظامی از نشانه‌هاست، اما اولاً زبان نتیجه سیر تکامل نشانه (sign) است، همچنان که نشانه نتیجه سیر تکامل علامت (symbol) است و ثانیاً بواسطه تکامل مند بودن، از نظامی بفرنج‌تر و پریچ و تاب‌تر برخوردار است. «سوسور» که دانش و فلسفه زمانه خود را بدرستی درک کرده بود و برآستی انسان زمانه خود بود، با تکیه بر دیالکتیک فربدریش هگل\* تلاش کرد تا اجزاء و روابط و چگونگی نظام زبان را بشناسد. نتیجه همه این تلاش‌ها و هوشمندیها را همکاران او در دانشگاه ژنو - پس از مرگ زود هنگام سوسور - در کتاب دوره زبان‌شناسی عمومی گردآورند که متأسفانه و خوشبختانه ۸۳ سال بعد با ترجمه استاد دانشور و فرهیخته دکتر کورش صفوی در کشور ما به چاپ رسیده است. این کتاب بعدها به سنگ‌بنای مکتب ساختگرایی در بررسی‌های زبانی و به بیان دقیق‌تر به بنیان رهیافت علمی در مطالعات زبان‌شناختی تبدیل شد. کتابهای زبان‌شناسی و بویژه کتابهای مربوط به

مکتب‌های زبان‌شناسی از «فردینان دوسوسور» (۱۸۵۷-۱۹۱۳) بعنوان آغازگر بزرگ ساختگرایی نام می‌برند و این البته سخنی سخت شایسته و معتبر است. اما پر روشن است که در تاریخ تفکر بشر و نیز در تاریخ تفکر زبان‌شناسی، هیچکس تنها به قامت خود و بدون بهره‌جویی از سنت تفکر گذشتگان، سر بر فراز نیاورده و نام پر افتخار دانشمند را کسب نکرده است. بزرگترین متفکران زمانه آنانند که ابتدا بر شانه‌های غولان<sup>۴۶</sup> عرصه تفکر در گذشته، ایستاده از چند و چون دانش گذشتگان بهره‌ها برده و سپس بر بنیاد تحلیل عمیق و گسترده آنها، رهیافتی نوین را بنیاد نهادند.

زبان‌شناسی نیز از این قاعده مستثنا نیست و ساختگرایی که به عنوان قله تفکر بشر در زمینه زبان‌شناسی، در پایان سده نوزدهم و آغاز سده بیستم مطرح می‌شود، خود از بسا تحقیقات و تلاش‌های جانگداز متفکران بهره‌مند است که اجر بر آنها نهادند تا آنکه در آغاز سده بیستم، بنای رفیع ساختگرایی به همت بسیاری از متفکران و بویژه «فردینان دوسوسور»، شکوهی عالمگیر یافت. وقتی تاریخ تفکر زبان‌شناسی را می‌کاویم، هرکجا به اصطلاح‌ها و عبارتهایی چون «قرارداد و قراردادیون» معتقدان به «اختیاری بودن زبان»، «سامانگرایی»، «تجربه‌باوری»، «عینی‌نگری»، «زبان همچون پدیده‌ای اجتماعی»، «توصیف‌گری زبان»، «نظام و نظام‌مندی»، «طبقات دستوری»، «رده‌شناسی»، «داده‌های زبانی»، «بیکره‌های زبانی» و «تحلیل زبانی» برمی‌خوریم، می‌توانیم رگه‌هایی از زبان‌شناسی ساختگرا را باز یابیم. در این سیر شگفت و پریچ و تاب در تاریخ زبان‌شناسی، بویژه می‌توان رگه‌های ساختگرایی را در میان آراء متفکرانی چون ارسطو، اسکندرانیان، وارون، پائینی، گریم، ورنر، جونز، اسکالیجر، لاینیتس، هومبولت، شلایخر، رستپوف، بروگمان و... بیش از دیگران دید.

هنگامیکه «فردینان دوسوسور» در سال ۱۹۱۳، درگذشت، کمتر کسی تصور می‌کرد که او راه‌گشای

زبان‌شناسی همزمانی سده بیستم خواهد بود. تقریباً تمام نوشته‌های او به زبان‌شناسی در زمانی مربوط می‌شد (سه‌م کمک‌های او به زبان‌شناسی تطبیقی هند و اروپایی درخور توجه است). او فقط در چند سال آخر عمر خود، به تدریس زبان‌شناسی همزمانی پرداخت. لکن اندکی پس از درگذشت «سوسور»، دو تن از همکاران او در دانشگاه ژنو، آلبرسه شه‌به و شارل بالی، یادداشتهایی را که دانشجویان وی ضمن سخنرانی‌هایش تهیه نموده بودند، برای انتشار، ویرایش کردند. گرچه این کتاب، یعنی دروس زبان‌شناسی همگانی، در سالهای اول پس از انتشار، چندان مورد توجه واقع نشد، ولی پس از یک ربع سده، بسیاری از زبان‌شناسان برجسته جهان، به این نتیجه رسیدند که این کتاب منبع اصلی الهام آنهاست.

«امروزه اسطوره «سوسور» از خویشتن واقعی او نیز پرآوازه‌تر است، از این رو جای شگفتی نیست که کوشش‌های قابل توجهی برای تمییز و تبیین «افکار واقعی» سوسور صرف می‌شود.» (عک ۳، ص ۳۱).

«دوسوسور» در پژوهش‌های خود تنها از شماری محدود زبان بهره جست که بیشتر آنها نیز از زمره زبانهای اروپایی بودند، اما دامنه تأثیر و نفوذ او در زبان‌شناسی قرن بیستم بمراتب بیشتر از نفوذ و تأثیر هرکس دیگر است، تا جایی که به جرأت می‌توان گفت زبان‌شناسی قرن بیستم را خود او آغاز کرده است. از همین روست که انتشار «دروس زبان‌شناسی همگانی» او را کسانی به یک انقلاب کپرنیکی در این موضوع خاص مانند کرده‌اند. (عک ۴، ص ۴۴۱) ناگفته نگذاریم که «فون هومبولت» نیز درواقع، نزدیک به یک سده پیش از «سوسور» آرائی چند در باب زبان و مطالعه زبان مطرح ساخته بود که همگی با آرا «دوسوسور» در این باره هم‌سنخ و هم‌راستا است. اما هیچ معلوم نیست که «دوسوسور» تا چه اندازه مستقیماً از «هومبولت» تأثیر پذیرفته است؛ هرچند حدسهائی زده‌اند که میان افکار

فردینان دوسوسور



خسروباقری

# سوسور بنیانگذار زبان‌شناسی علمی

دوره زبان‌شناسی عمومی

فردینان دو سوسور

کورش صفوی

هرمس، ۱۳۷۸

آن دو پیوندهایی وجود داشته است. (ک ۵ ص ۴۱۷) تا پیش از ۱۹۶۰ نام «فردینان دوسوسور» به گوش افراد اندکی از محافل علمی یا خارج از آنها خورده بود. اما پس از ۱۹۶۸، زندگی فکری اروپا به همه‌امی از تکرار نام این بنیانگذار زبانشناسی علمی و ساختگرایی تبدیل شد، زیرا «دوسوسور» همانقدر واسطه انتقال فکر بود که نوآور، این که چرا «دوسوسور» یعنی یک زبانشناس و - از دیدگاه جامعه‌ی علمی وسیع‌تر و عامه مردم - یک متخصص غامض اندیش زبانه‌های سانسکریت و هند و اروپایی باید به منشاء نوآوری فکری در علوم اجتماعی و انسانی تبدیل شود؛ خود جای فکر دارد. این نشان می‌دهد که در آغاز دوران تاریخی قرن بیستم، چیزی کاملاً منحصر بفرد روی داده بود، بطوری که الگوی نوینی از زبان بر اساس رویکرد ساختاری «دوسوسور» به الگوی نظریه پردازی در زمینه زندگی اجتماعی و فرهنگی تبدیل شد. نظریه «دوسوسور» در تاریخ زبان‌شناسی ریشه دارد، اما استلزام‌های آن کل علوم اجتماعی را دربر می‌گیرد. بنابراین باید در این هر دو جنبه نظر کنیم. (ک ۶ ص ۲۱۴)

«دوسوسور»، ۱۷ نوامبر سال ۱۸۵۷ در یکی از سرشناس‌ترین خانواده‌های شهر ژنو به دنیا آمد. خانواده او از پناهندگان فرانسوی بودند که در سوئیس زندگی می‌کردند و شهرتشان به خاطر انجام کارهای علمی بود. به این سان، او هم‌عصر مستقیم «دورکهایم» و «زیگموند فروید» بود، گرچه نشانی در دست نیست که او با هیچ یک از این دو برخوردی داشته است. پس از گذراندن سالی ناموفق در دانشگاه ژنو برای تحصیل فیزیک و شیمی، در ۱۸۷۵ به دانشگاه لایپزیک رفت تا زبان بخواند. سپس به دنبال هجده ماه مطالعه سانسکریت در برلین، در ۲۱ سالگی رساله‌ی بس مقبول خود را به نام گزارش درباره «نظام ابتدائی و مصوتها در زبانهای هند و اروپائی» (Memoire sur le systeme Primitif des voyelles dans les langues indo-europeennes منتشر کرد. پنجاه سال پس از مرگ «دوسوسور»، «امیل بنونیست»، زبان‌شناس نامدار فرانسوی گفت: «این اثر کل پژوهش آینده «دوسوسور» را درباره ماهیت زبان، که از نظریه سرشت قراردادی نشانه الهام می‌گرفت؛ بشارت داد.» (ک ۷ ص ۱۹۵) در ۱۸۸۰، «دوسوسور» پس از دفاع از رساله خود درباره «حالت اضافه مطلق در سانسکریت» به پاریس رفت و در ۱۸۸۱ در ۲۴ سالگی، مدرس گوتهیک و آلمانی ادبی کهن در «کول پراتیک» شد. بیش از یک دهه در پاریس تدریس کرد، تا آنکه به مقام استادی زبانهای سانسکریت و هند و اروپایی در دانشگاه ژنو رسید.

در تاریخ زبانشناسی، رویکرد «دوسوسور» را، چنان که در کتاب «دوره زبانشناسی عمومی» آمده است بطور کلی مخالف دو دیدگاه نافذ درباره زبان دانسته‌اند. دیدگاه نخست همان است که در ۱۶۶۰ در کتاب دستور زبان «پورت رویال لانسلو و آرنو» مطرح شد، که زبان را آیین اندیشه‌ها و مبتنی بر منطقی جهانشمول می‌داند. به نظر دستورنویسان پورت رویال، زبان اساساً عقلانی

است. دیدگاه دوم دیدگاه زبان‌شناسان قرن نوزدهم است که در آن وضعیت فعلی یک زبان خاص با تاریخ آن زبان توضیح داده می‌شود. در این دیدگاه سانسکریت، زبان مقدس هند باستان، که آن را قدیمیترین زبان می‌دانستند، در عین حال حلقه واسطه تمام زبانها بود، بطوریکه زبان و تاریخ آن در نهایت یکی می‌شدند.

رویکرد تاریخی و تا اندازه‌ای رویکرد عقلانی به زبان چنین می‌انگارد که زبان در اساس فرآیند نام‌گذاری است - اطلاق واژه‌ها به چیزها، خواه خیالی یا غیر آن - و این که بین نام و نامیده نوعی پیوند ذاتی وجود دارد. به باور این رویکرد، این که چرا یک ایده خاص، از یک نام خاص برخوردار است، را می‌توان بر مبنای تاریخی و یا حتی پیش تاریخی تعیین کرد. هرچه در تاریخ عقب برویم، به انطباق نام و ایده آن نزدیکتر می‌شویم. به گفته دوسوسور چنین چشم‌اندازی فرض می‌کند که زبان اساساً به معنی نامگذاری است: مجموعه‌ای از نام‌ها برای موضوع‌ها و ایده‌ها.

از مهم‌ترین اندیشه‌های دوسوسور این است که زبان بعنوان یکی از نظام‌های نشانه‌ای و زبان‌شناسی، به عنوان دانش نشانه‌های زبانی، چیزی جز بخشی از دانش نشانه‌شناسی نیست که نخستین بار در مقاله «جان لاک» تحت عنوان «نشانه‌شناسی، نظریه نشانه‌ها» پیش‌بینی و مطرح شده بود:

«مسائل زبانی در درجه نخست مسائلی نشانه‌شناختی محسوب می‌شوند... و از طریق چنین علمی نه تنها می‌توان مسائل زبانشناسی را حل کرد، بلکه ما بر این اعتقادیم که با در نظر گرفتن پدیده‌هایی چون آداب، رسوم و جز آن به عنوان مجموعه‌ای از نشانه‌ها، این حقایق از پرتو دیگری مطرح خواهند شد و نیاز به طبقه‌بندی آنها در نشانه‌شناسی و توجیه هر یک از طریق این دانش نوین، بسیار محسوس خواهد بود.» (ک ۸ ص ۱۹-۲۶)

به نظر دوسوسور زبان نظامی از نشانه‌هاست که در آن پیوند میان معنی و تصویر صوتی، نقش اساسی دارد و در آنجا هر دو بخش نشانه‌های زبان ذهنی‌اند.

اما مضمون اصلی کتاب دروس این است که نظام‌مندی زبان منحصر به زیر شاخه‌ای مشخص است که می‌توان آن را از کلیت گفتار منتزع کرد. دوسوسور این زیرشاخه را «جوهر زبان» نامید و آن را در مقابل «گفتار» یا «سخن» قرار داد. جوهر زبان نشانگر نظام مجردی از روابط ساختاری زبان است، روابطی که بین تمام افراد یک جامعه گفتاری مشترک است. در سوی دیگر، «گفتار» نشانگر کنش فردی تکلم است، که هرگز دقیقاً بطور یکسان دوبار تکرار نمی‌شود.

«شاید بتوان گفت که زبان و گفتار ارتباط تنگاتنگی با هم دارند و مستلزم وجود یکدیگرند. وجود زبان، برای آنکه گفتار قابل فهم باشد و منظور خود را برساند، لازم است. ولی گفتار برای آن لازم است تا زبان ایجاد گردد؛ از نظر تاریخی

پدیده گفتار همیشه بر زبان مقدم است. چگونه می‌توان یک فکر را به یک تصویر زبانی پیوند داد، اگر در آغاز، این پیوند در یک عمل گفتار صورت نگرفته باشد؛ از سوی دیگر ما زمانی زبان مادری خود را فراموش می‌کنیم که صحبت کردن دیگران را شنیده باشیم زبان تنها در نتیجه دریافت و تجربه‌های بیشمار است که در مغز ما جای می‌گیرد و سرانجام این گفتار است که زبان را به تحول و می‌دارد. وقتی صحبت دیگران را می‌شنویم، تأثیرات دریافت شده می‌توانند، عادات زبانی ما را دگرگون سازند. به این ترتیب نوعی پیوستگی متقابل میان زبان و گفتار وجود دارد؛ زبان در آن واحد ابزار و دستاورد گفتار است. ولی تمام اینها مانع از آن نخواهد بود که این دو دقیقاً از یکدیگر متمایز نباشند.» (ک ۸ ص ۲۸) دوسوسور زبان را با سمفونی مقایسه می‌نمود. (ک ۸ ص ۲۷) «جوهر زبان» نمایانگر قطعه موسیقی ثابت و تغییرناپذیر و «گفتار» نمایانگر اجرای واقعی آن قطعه موسیقی است که هرگز مشابه سایر اجراهای همان قطعه موسیقی نخواهد بود. نظر به اینکه از دیدگاه دوسوسوری، «جوهر زبان» متشکل از نظام ساختاری منسجمی است، هر نوع رویکردی به زبان که اختصاص به تبیین شیوه کارکرد درونی این نظام داشته باشد، به مرور زمان به عنوان «زبانشناسی ساختاری» یا «ساختگرایی» شناخته می‌شود. دوسوسور می‌گوید:

«نحوه عملکرد زبان‌شناسی درونی کاملاً متفاوت است؛ به این ترتیب که در آن هیچ نظم اختیاری قابل اعمال نیست. زبان دستگاهی است که تنها نظم ویژه خود را می‌شناسد این واقعیتی که شطرنج از ایران به اروپا آمده برونی است و برعکس آنچه به نظام و قواعد آن مربوط می‌شود، درونی است. اگر از مهره‌های چوبی جای عاج استفاده کنیم، در نظام بازی هیچ تفاوتی ایجاد نمی‌کند ولی اگر تعداد مهره‌ها را کم یا زیاد کنیم، این تغییر عمیقاً در «دستور» بازی تأثیر می‌گذارد.» (ک ۸ ص ۳۴)

دوسوسور با زیرکی توضیح می‌دهد که: «واژه اختیاری» یساده‌آوری موضوعی را ضروری می‌سازد و آن اینکه نباید تصور کرد که گوینده یک زبان هر صورتی را که بخواهد، آزادانه انتخاب می‌کند. شخص گوینده توانایی هیچ‌گونه تغییری را در نشانه‌ای که در یک جامعه زبانی جا افتاده است، ندارد. بلکه صورت نشانه بی‌انگیزه است، یعنی از این نظر اختیاری است که هیچ‌گونه پیوند طبیعی با معنی ندارد.» (ک ۸ ص ۱۰۰) او می‌گوید:

«توده اجتماع در انتخاب صورتها هیچ دخالتی ندارد و نمی‌تواند صورت دیگری را جایگزین چیزی کند که زبان برگزیده است. (اختیار اجباری) بسا بر این زبان یک نظام قراردادی ساده نیست و از همین جهت است که

مطالعه نشانه زبانی جانب می‌گردد. زیرا اگر بخواهیم ثابت کنیم که قانون پذیرفته شده در یک اجتماع، مسئله تحمیلی است و نه قاعده‌ای که آزادانه به آن رضایت داده‌ایم، بهترین گواه ما همانا زبان خواهد بود» (ک ۸ ص ۱۰۳)

بنابراین سوسور نتیجه می‌گیرد که زبان نظام یا ساختاری است که تک تک عناصر تشکیل دهنده آن در بیرون از محدوده‌های این ساختار بی‌معنی هستند.

«کسی که نوعی زبان ساختگی وضع می‌کند، تا زمانی می‌تواند آن را منحصرأ در اختیار خود داشته باشد که بر جریان نیفتاده باشد. پس از گذشت زمانی کوتاه، چنین زبانی وارد زندگی نشانه‌ای خود خواهد شد و از طریق قوانینی که هیچگونه وجه اشتراکی با قوانین حساب شده آفرینش اولیه‌اش ندارند، انتقال خواهد یافت و دیگر کسی نمی‌تواند به گذشته آن بازگردد.» (ک ۸ ص ۱۱۰)

به نظر سوسور زمان که هر چیز را دگرگون می‌سازد، زبان را نیز تغییر می‌دهد و زبان نمی‌تواند از این قانون جهانی بگریزد. (ک ۸ ص ۱۱۱) اما:

«الف - هر حرکت در شطرنج تنها یک مهره را جابجا می‌کند، به همین ترتیب در زبان نیز تغییرات بر عناصر منفرد تأثیر می‌گذارد.

ب - هر حرکت بر نمای دستگاه تأثیر می‌گذارد. برای بازیکن نیز پیش بینی دقیق حدود این تأثیر غیرممکن است. تغییرات در ارزش‌ها بر حسب مورد می‌تواند هیچ اهمیتی نداشته باشد یا از اهمیتی بسیار زیاد یا متوسط برخوردار باشد. یک حرکت می‌تواند کل بازی را منقلب سازد و حتی برای مهره‌هایی که موقتاً نقشی بر عهده



ندارند، نتایجی داشته باشد و دیدیم که مسئله در مورد زبان نیز دقیقاً به همین شکل است. (ک ۸ ص ۱۲۷)

به نظر سوسور، زبان‌شناسی که ابتدا در برابر دوراهی انتخاب بین «زبان» و «گفتار» قرار گرفته بود، حال می‌بایست به تلاقی دیگری یعنی تلاقی زبان‌شناسی «در زمانی» و «همزمانی» بپردازد. به نظر سوسور «زبان دستگاهی است که تمامی بخش‌هایش می‌تواند و باید در همبستگی همزمان مورد بررسی قرار گیرد.» (ک ۸ ص ۱۳۹) و زبان‌شناسی همزمانی به «روابط منطقی و ذهنی خواهد پرداخت که عناصر متقارن را به یکدیگر پیوند می‌دهد و در ذهن مشترک سخنگویان یک جامعه زبانی دستگاهی واحد را بوجود می‌آورد.» (ک ۸ ص ۱۴۲)

در نتیجه از نظر سوسور

«از آنجا که هیچ نظامی به طور کلی نمی‌تواند در آن واحد برای چند دوره معتبر باشد، چیزی به نام «دستور تاریخی» وجود ندارد. آنچه را به این نام می‌شناسیم، درحقیقت چیزی جزء «زبان‌شناسی در زمانی» نیست. (ک ۸ ص ۱۹۲)

به اعتقاد فردینان دوسوسور ویژگی دوگانه زبان را می‌توان در ترکیب شیمیایی خاصی مثل آب در نظر گرفت. آب ترکیبی از هیدروژن و اکسیژن است و اگر هر یکی از این دو عنصر را فی‌نفسه مورد بررسی قرار دهیم، دیگر هیچکدام ویژگی آب را نخواهند داشت. (ک ۸ ص ۱۴۹)

درباره «فردینان دوسوسور» و کتاب دوره زبان‌شناسی عمومی می‌توان و می‌باید بیش از این‌ها سخن گفت. زیرا او و این کتاب بودند که رهیافت علمی را در بررسی‌های زبانی بنیاد گذاشتند. نویسنده آرزو می‌کند که در آینده به این مسئله بپردازد. اما بویژه از دانشوران و صاحبان اندیشه انتظار دارد که در روشن‌گری آراء سوسور، همت گمارند و مشعل دانش زبان‌شناسی را در کشور ما فروزان‌تر دارند.

«دوره زبان‌شناسی عمومی» که توسط انتشارات هرمس بصورت شایسته و درخوری منتشر شده، مشتمل بر یک درآمد یک پیوست (درباره آواشناسی) و پنج بخش است. نظری به تاریخچه علم زبان‌شناسی، موضوع و وظیفه زبان‌شناسی، زبان‌شناسی زبان و زبان‌شناسی گفتار، عوامل درونی و بیرونی زبان از مهمترین عناوین بخش «درآمد» است. ماهیت نشانه زبانی، دگرگونی ناپذیری و دگرگونی‌پذیری نشانه، قانون همزمانی و قانون در زمانی از مهمترین عناوین بخش اول و جوهرهای ملموس زبان، ارزیابی زبان، روابط هم‌نشینی و متداعی و ساخت و کار زبان از مهمترین عناوین بخش دوم‌اند. «فردینان دوسوسور» در بخش سوم به زبان‌شناسی در زمانی، در بخش چهارم به زبان‌شناسی جغرافیائی و در فصل پنجم به مسائل زبان‌شناسی گذشته‌نگر می‌پردازد.

کثرت و کیفیت مسائل مطرح شده نشانگر آنست که «فردینان دوسوسور» چه اشراف گسترده و عمیقی بر دانش و فلسفه زمانه خود داشته است. خطا به خط آراء ارائه شده در این کتاب بیانگر نبوغ نویسنده دانشمندی است که به حق تحولی کپرنیکی را در زبان‌شناسی ایجاد کرده است.

به نظر نگارنده، این کتاب می‌باید بارها و بصورت دست‌جمعی مطالعه شود و مورد بحث قرار گیرد و در دوره کارشناسی ارشد به عنوان کتاب درسی و یک ترم تحصیلی انتخاب گردد؛ زیرا بدون درک آراء سوسور، درک رهیافت علمی به زبان‌شناسی ناممکن است.

تا آنجا که نگارنده می‌داند، این کتاب، پس از «روندهای بنیادین در دانش زبان» اثر رومن یا کوپسن، «زبان و ذهن» اثر نوام چامسکی، و «فن دستور» اثر دیونوسیوس تراکس، چهارمین کتاب کلاسیک زبان‌شناسی است که به قلم توانا و شیوای دانشور فرزانه دکتر کورش صفوی به خوانندگان فارسی زبان تقدیم می‌شود. آنان که با مسائل زبان و زبان‌شناسی سر و کار دارند، از دشواری و اهمیت بیش از اندازه این کار بخوبی آگاهند.

اهمیت اندیشه‌های فردینان دوسوسور آنچنان زیاد است که مطالعه آرای او را نه فقط برای علاقمندان به زبان بلکه برای ره‌پویان تمام دانش‌ها و بویژه رشته‌های وابسته به علوم انسانی، الزامی می‌کند.

#### منابع

- ۱- یا کوپسن، رومن، روندهای بنیادین در دانش زبان، ترجمه کورش صفوی، انتشارات هرمس، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۶
  - ۲- آریان پور، ج.، زمینه جامعه‌شناسی، شرکت سهامی کتابهای جیبی، نشر دهم، ۱۳۵۶
  - ۳- نیومیایر، فردریک، جنبه‌های سیاسی زبان‌شناسی، ترجمه اسماعیل فقیه، نشر نی، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۸
  - ۴- P. A. verburg, Lingua 2 (1950)
  - ۵- رویینز، آر. اچ. تاریخ مختصر زبان‌شناسی، ترجمه علی‌محمد حق‌شناس، نشر مرکز، چاپ دوم، تهران، ۱۳۷۳
  - ۶- لجت، جان، پنجاه متفکر بزرگ معاصر، ترجمه حسن حکیمی، انتشارات خجسته، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۷
  - 7 - Dinneen s. j. Francis P. An Introduction to general linguistics, George town university Press, 1978, U.S.A.
  - ۸- دوسوسور، فردینان، دوره زبان‌شناسی عمومی، ترجمه کورش صفوی، انتشارات هرمس، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۸
- پانویس‌ها:
- «پیشگامان جهانی این جنبش (جنبش ساختگرایی) به واقع رابطه‌ای موثر و نزدیک با پدیدارشناسی هوسرل و هگل داشته‌اند.» رومن یا کوپسن (ک ۱ ص ۱۴)
- «باید پذیرفت که دیالکتیک و پدیدارشناسی هگل نیز تأثیر بسزایی در طرح زبان‌شناسی ساختگرا داشته است.» رومن یا کوپسن (ک ۱ ص ۱۷)
- «امیل بنونیست با درایت فرانسوی، در زمان همکاری خود با مجله Acta linguistica الزام دیالکتیک ارزش‌ها را در تقابل دائم با یکدیگر، به عنوان اصل ساختاری عمده زبان در نظر می‌گیرد.» (ک ۱ ص ۱۷)
- «اگر من فواصل دورتر را دیدم بدان سبب بود که بر شانه‌های بلندی قرار داشتم.» اسحاق نیوتن (ک ۲ ص ۴۶۵)